



از سری مباحث اقتصادسیاسی (شماره ۳)

دیگران چکار می کنند که ما نمی کنیم!!

شرکت گروه مشاوران مدیریت و مطالعات راهبردی تدبیر

آبان ماه ۱۳۹۶

بسمه تعالی

مقدمه:

بر اساس دسته بندی مفهومی مجمع جهانی اقتصاد که از وضعیت توسعه یافتگی کشورها صورت گرفته است، کشورها به سه دسته تقسیم شده اند که عبارتند از: **منبع محور، کارآ و نوآور**. همچنین باید افزود که بعضی از کشورها در گذر از منبع محور به کارآ و از کارآیی به نوآوری هستند. بنابراین باید گفت که در مجموع، پنج مرحله در مسیر توسعه و پیشرفت کشورها در نظر گرفته شده است. اقتصاد ایران از نظر درجه توسعه یافتگی، بعنوان **اقتصاد در حال گذر** محسوب می شود که از مراحل پنجگانه مزبور، در مرحله دوم یعنی از منبع محوری به کارآیی قرار دارد.

از جمله ویژگی های کشورهای مستقر در مرحله اول (منبع محوری)، تولید و صادرات مواد اولیه، تولید محصولات صنعتی و معدنی با ارزش افزوده پائین می باشد. بنابراین درجه پیچیدگی تولید و صادرات در این کشورها نسبتاً پایین است. همچنین باید افزود که در این کشورها نرخ تورم بالاتر از متوسط جهانی است و فضای کسب و کار نیز نامطلوب است. در این مقاله به این پرسش، پاسخ داده می شود که چرا بعضی از کشورها روند دوران گذر اقتصادی را با سرعت طی کرده اند و بعضی دیگر همچون ج.ا. ایران دارای **زمان طولانی** برای دوران گذر بوده اند؟

۱- الزامات تسریع در عبور از دوران گذر اقتصادی

کشورهای **منبع محور** برای عبور سریع از دوران گذر و استقرار در قلمرو **اقتصاد کارآ** که بعنوان مرحله سوم از مدارهای توسعه و پیشرفت، محسوب می شود، باید نسبت به **اصلاحات ساختاری** در جهت بهبود وضعیت شاخصهای کلان اقتصادی اقدام کنند. در غیر اینصورت، زمان گذر و همچنین انتقال به مراحل بالاتر توسعه و پیشرفت برای آنها طولانی خواهد شد. تطویل دوران گذر، حتی می تواند زمینه ساز خروج و حذف تدریجی از گردونه رقابت های بین المللی شود.

یکی از عوامل تطویل دوران گذر در بعضی از کشورها همچون ج.ا.ایران، پرهیز نخبگان سیاسی از اصلاحات ساختاری و یا عدم تمرکز به «علل اصلی» اصلی چالشها و محدودیتها و توجه به «معلولها» است. عدم تمرکز به «علل» ظهور و بروز مشکلات و توجه به معلولها، ج.ا. ایران را در دام تطویل دوره گذر گرفتار ساخته است. اما کشورهایی همچون ترکیه، مالزی و هند با «اصلاحات ساختاری» و تمرکز بر علل وقوع چالشها، توانسته اند دارای کارکردهای مناسب در خصوص عبور سریع از دوران گذر باشند.

۲- وضعیت سیاست گذاری در ج.ا.ایران

ج.ا.ایران برغم ظرفیت های بسیار مناسبتر از کشورهای هم چون ترکیه، مالزی و هند به سبب عدم تمرکز نخبگان سیاسی به اصلاحات ساختاری و توجه به سیاستها و راه حلهای موقت، دوره گذر بسیار طولانی برای انتقال به مراحل بالاتر توسعه داشته است. این امر متضمن تهدیدات بالقوه و بالفعل است که محتاج چاره اندیشی های جدی می باشد.

بعنوان نمونه، می توان به بهره گیری از ساز و کار نرخ ارز در ج.ا. ایران بعنوان راه حل موقت تنگناها و محدودیتها و عدم تمرکز به بهینه سازی نرخ تورم بعنوان راه حل ریشه ای و ساختاری اشاره داشت. بدین معنی که بصورت دوره ای نسبت به بهره گیری از ابزار نرخ ارز برای حل نسبی چالش رقابت پذیری در اقتصاد ایران اقدام می شود و از سایر راه حلهای اصولی و زیر ساختی همچون وضعیت نرخ تورم و بهبود وضعیت محیط کسب و کار غفلت می گردد (پدرام سلطانی، ۱۳۹۶). توجه به معلولها (همچون اصلاح نرخ ارز)، ممکن است که در کوتاه مدت دارای کارکردهایی باشد، اما دارای آثار نامطلوب در بلند مدت است. تغییر نرخ ارز، فرصتی برای حفظ رقابت پذیری و صادرات در کوتاه مدت است، اما موجب غفلت از اتخاذ تدابیر اساسی اصلاح ساختاری (همچون اصلاح وضعیت نرخ تورم) می شود. این امر از یکسو موجب کندی هر چه تمامتر طی دوره گذر شده و از سوی دیگر، استمرار تولید و صادرات محصولات با ارزش افزوده پایین در اقتصاد ایران را بدست داده است.

برای عبور سریع از دوران گذر، نخبگان سیاسی بیش از آنکه به «معلول» کاستی های ساختاری بپردازند، به «علتهای» پیدایش وضعیت و متغیرهای زیر ساختی توجه و تاکید داشته باشند. بدیهی است که اگر نرخ تورم

به زیر پنج درصد کاهش یابد، و فضای کسب و کار تغییر یابد، نرخ سود بانکی تک رقمی می شود نرخ ارز نیز ثبات پیدا می کند و روند و رشد اقتصادی بهبود می یابد.

با مروری به تجارب کشورهای که دارای چالشهای مهمی همچون نرخ تورم بالا، بحران ارزی، صادرات مواد خام بودند، این نکته مهم بدست می آید که آنها با تمرکز به علل مشکلات و حل آنها و پرهیز از توجه به معلولها، توانستند بعد از مدت کوتاهی مسائل و چالشهای مربوطه را رفع نموده و کشور را به مراحل سوم و چهارم توسعه و پیشرفت رهنمون سازند. در ادامه به مطالب به رئوس سیاست گذاری های نخبگان سیاسی در ترکیه، مالزی و هند پرداخته می شود که دارای پیامهای استراتژیک برای ج.ا. ایران است

۳- وضعیت سیاست گذاری در ترکیه، مالزی و هند

۳-۱- سیاست گذاری در ترکیه: ترکیه در دهه ۱۹۹۰، نرخ تورم سه رقمی (بیش از ۱۲۰ درصد) و همچنین بحران ارزی داشت. بنحوی که در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، ارزش پول ملی ترکیه، از هشت سنت به حدود یک سنت کاهش یافته بود. طی سالهای ابتدایی قرن بیست و یکم نیز حجم بدهی های دولت، به بیش از ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی ترکیه رسید. انباشت حجم بدهی ها، تهدید نهادهای بین المللی مبنی بر عدم ارائه وام به کشور ترکیه را در برداشت. این نکات لزوم اتخاذ تصمیمات راهبردی مناسب و سیاست گذاری های درست و صحیح را از سوی نخبگان سیاسی کشور طلب می کرد.

معمولاً در این مقاطع تاریخی، فردی ذیصلاح باید نقش منجی برای حل چالشهای اساسی و اصلی کشور را ایفا نماید. کمال درویش که در سال ۲۰۰۱، به سمت وزارت دارایی در ترکیه منصوب شد، این نقش را بر عهده گرفت.

او با سیاست گذاری های مناسب، در کمتر از ۹ ماه توانست نرخ تورم ترکیه را به محدوده یک رقمی برساند. کمال درویش معتقد بود که یکی از مهم ترین ریشه مشکلات اقتصادی ترکیه، کسری بودجه فزاینده است. لذا پس از تشخیص «مسئله»، تدابیر مناسب را برای حل آن اتخاذ گردید... در گام اول برای اصلاح و کاهش مخارج دولت، دستورالعمل کاهش ۱۵ درصدی فرد حقوق بگیران دولتی در ترکیه صادر شد.

همچنین او با اقداماتی همچون افزایش استقلال بانک مرکزی در سیاست گذاری پولی، واگذاری شرکت های بزرگ دولتی به بخش خصوصی، اصلاحات نهادی برای افزایش نقش ساز و کار بازار در اقتصاد، بازسازی ساختار بانک های دولتی، کاهش بار بخش عمومی در اقتصاد، ایجاد مزیت های نسبی در عرصه تجارت، توجه به فعالیتهای دانش بنیان، توانست اقتصاد بیمار ترکیه را به یکی از پرشتاب ترین اقتصادها در مسیر توسعه و پیشرفت رهنمون سازد. افزایش ۲/۳ برابری تولید ناخالص داخلی سرانه، کاهش نرخ تورم سه رقمی و دو رقمی به حدود ۷ درصد، کاهش نرخ بیکاری و افزایش انعطاف نظام مالی ترکیه در برابر بحران های مالی تنها بخشی از میراث این دوران توسعه سریع در اقتصاد ترکیه بود. جدول ذیل روند بهبود شاخصهای کلان اقتصادی ترکیه را طی سالهای ۲۰۱۶-۱۹۸۰ نشان می دهد.

۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	
۸۵۸	۸۵۹	۷۷۲	۲۷۳	۱۵۱	۶۹	۱۷	تولید ناخالص داخلی - میلیارد دلار
۱۰،۷۸۸	۱۰،۹۸۰	۱۰،۶۷۲	۴،۳۱۷	۲،۷۹۴	۱،۵۶۴	۴۹۰	درآمد سرانه - دلار
۱۲	۱۸	۹	۱	۱	۰	-	جذب سرمایه گذاری خارجی - میلیارد دلار
۱۸۸	۱۹۹	۱۵۷	۵۰	۲۱	۴	-	صادرات کالا و خدمات - میلیارد دلار
۲	۲	۲	۱	۰	-	-	صادرات کالاهای پیشرفته - میلیارد دلار

۲-۳ - مالزی: اغلب جمعیت ۲۷ میلیون نفری مالزی تا قبل از سال ۱۹۸۱، در جنگل ها و روستاها به تولید مواد اولیه کشاورزی و صنعتی اشتغال داشتند. در این سالها فقر بر جامعه حاکم و درآمد سرانه در حدود ۱۰۰ دلار بود. اما بعد از آنکه «ماهاتیر محمد» در سال ۱۹۸۱ در مسند نخست وزیری قرار می گیرد، وضعیت کشور کاملاً متحول می گردد. او در سند چشم انداز، خواهان تبدیل کشور مالزی به چهارمین قدرت آسیایی بعد از ژاپن، چین و کره در سال ۲۰۲۰ می شود. ماهاتیر محمد برای نیل به رشد اقتصادی پایدار، به سرمایه

انسانی توجه اساسی نمود. او برای رسیدن به این هدف، بیشترین میزان بودجه و اعتبارات را برای آموزش همگانی، کسب مهارت فنی و ریشه کن کردن فقر برداشت.

یکی از تدابیر ماهاتیر، مزیت سازی بود. او در این راستا ضمن پیوند با ساز و کارهای جهانی شدن، سرماگذاری های قابل توجهی در بخش صنعت بعمل آورد. لذا تولید و صادرات کالاهای صنعتی از دهه ۱۹۹۰ رشد مناسبی پیدا کرد. همچنین باید افزود، صادرات کالا با فناوری پیشرفته نیز رشد چشمگیری داشته است. جدول زیر سهم بخشهای کشاورزی صنعتی و خدمات، صادرات کالا و صادرات کالا با فناوری پیشرفته را نشان می دهد:

۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	
۲۹۶	۲۵۵	۹۴	۴۴	۲۴	۴	تولید ناخالص داخلی - میلیارد دلار
۹,۶۴۴	۹,۰۷۱	۴,۰۴۵	۲,۴۴۱	۱,۷۷۵	۳۵۸	درآمد سرانه - دلار
۱۱	۱۱	۴	۲	۱	۰	جذب سرمایه گذاری خارجی - میلیارد دلار
۱۷۶	۱۸۷	۹۸	۲۹	۱۳	۴	صادرات کالا - میلیارد دلار
۵۷	۵۹	۴۷	۶	—	—	صادرات کالا با فناوری پیشرفته - میلیارد دلار
۸	۱۰	۹	۱۵	۲۳	۳۳	سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی
۳۶	۳۸	۴۸	۴۲	۴۲	۳۰	سهم بخش صنعتی از تولید ناخالص داخلی
۵۵	۵۲	۴۳	۴۳	۳۵	۳۷	سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی

۳-۳ - سیاست گذاری در هند: پس از استقلال هند در سال ۱۹۴۷، دولت مسولیت توسعه اقتصادی را

برعهده گرفت. اما روند رشد اقتصادی طی دهه ۳۰ (۸۰-۱۹۵۰) محدود و آهسته بود. زمانی که تجارت بین المللی به شدت در حال گسترش بود، سیاست های تجاری هند درون گرا بودند. در ابتدا دهه ۱۹۹۰، تولید ناخالص داخلی سرانه هندوستان، بالغ بر ۳۱۰ دلار بود که یکی از فقیرترین کشورهای جهان محسوب می شد.

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰، هند بزرگترین شریک تجاری خود و بازار شرق اروپا

را از دست داد. وقوع جنگ در خلیج فارس و افزایش قیمت نفت، اقتصاد هند را با بحران‌های شدیدی روبه‌رو کرد. لذا، این نکات موجب بازنگری اساسی در سیاستهای اقتصادی و تجاری هند شد.

شروع داستان پیشرفت هندوستان، با انتخاب «مان‌موهان سینگ» بعنوان وزیر دارایی رقم خورد. برنامه‌های اصلاحی او، مسیر حرکت اقتصاد هند را تغییر داد. برنامه اصلاحی وی، مبتنی بر کاهش یارانه‌ها و تعرفه‌ها در بخش کشاورزی، لغو قوانین محدودکننده سرمایه‌گذاری و کوچک سازی بخش عمومی بود. همچنین سینگ استراتژی «صنعتی‌سازی از طریق جایگزینی واردات» را تغییر داد و به همسویی با بازار آزاد، روی آورد. اقتصاد هند در طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰، رشد اقتصادی بالاتر از ۴ درصد داشت. در این سال‌ها هند سیاست خارجی توسعه‌گرا را مد نظر قرار داد و مسیر رشد و توسعه اقتصادی هموارتر گردید. آثار اصلاحات ساختاری هند در جدول ذیل نشان داده شد.

۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	
۲۱۱۲	۱۶۵۷	۴۶۲	۳۱۷	۱۸۴	تولید ناخالص داخلی - میلیارد دلار
۱۶۱۳	۱۳۴۶	۴۳۹	۳۶۴	۲۶۴	درآمد سرانه
۴۴	۲۷	۴	۰	۰	جذب سرمایه گذاری خارجی - میلیارد دلار
۲۷۲	۲۳۱	۴۳	۱۸	۸	صادرات کالا - میلیارد دلار
۱۵۶	۱۱۷	۱۷	۵	۳	صادرات خدمات - میلیارد دلار

- ارزیابی

همانطور که مشاهده می شود، نخبگان سیاسی کشورهای ترکیه، مالزی و هند با تمرکز بر اصلاحات ساختاری و علل اصلی مشکلات و پرهیز از توجه به مسائل جانبی و فرعی، توانستند تصمیمات سخت همراه با سیاست گذاری های درست را اتخاذ نمایند و کشور را از استانه بحران دور ساخته و مسیر توسعه و پیشرفت را هموار نمایند. همچنین آنها برای عبور از اقتصاد «منبع محور» به «کارایی»، نسبت به عمق بخشی فعالیتهای اقتصادی بر اساس تمرکز بر مزیت های اصلی اقدام نمودند. در ادامه نیز با تعامل فعالانه بین المللی، شکوفایی سازی مزیت ها و قابلیت های ملی را رقم زدند و رقابت پذیری و پایداری فعالیتهای اقتصادی را بدست دادند. این

کشورها با بهبود بهره‌وری در حوزه‌هایی همچون بهینه سازی مصرف انرژی، تجدید نظر در فرایندهای تولید بنگاه‌های صنعتی، ساماندهی شبکه ای بنگاههای کوچک و متوسط با بنگاههای بزرگ، دوره گذر از اقتصاد منبع محور به اقتصاد کارا را با سرعت طی نمودند و هم اکنون نیز درصدد استقرار در میان کشورهای نوآور هستند. چرا که آنها با جذب سرمایه گذار خارجی، نسبت به جذب فناوری های پیشرفته و صادرات کالا با فناوری بالا دارای کارکردهای مناسبی هستند. پس از آنها این کارها را می کنند که ما نمی کنیم!! جدول مقایسه ای ذیل، وضعیت شاخصهای کلان اقتصادی ج.ا. ایران با کشورهای ترکیه، مالزی و هند را نشان می دهد.

متغیر	کشور	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۲۰۱۰	۲۰۱۵
تولید ناخالص داخلی - میلیارد دلار	ایران	۱۱	۹۴	۱۲۵	۱۱۰	۴۶۸	۳۹۳
	ترکیه	۱۷	۶۹	۱۵۱	۲۷۳	۷۷۲	۸۵۹
	مالزی	۴	۲۴	۴۴	۹۴	۲۵۵	۲۹۶
	هند	۶۲	۱۸۴	۳۱۷	۴۶۲	۱،۶۵۷	۲،۱۱۲
درآمد سرانه - دلار	ایران	۳۸۵	۲،۴۴۰	۲،۲۲۰	۱،۶۵۷	۶،۲۷۳	۴،۹۵۸
	ترکیه	۴۹۰	۱،۵۶۴	۲،۷۹۴	۴،۳۱۷	۱۰،۶۷۲	۱۰،۹۸۰
	مالزی	۳۵۸	۱،۷۷۵	۲،۴۴۱	۴،۰۴۵	۹،۰۷۱	۹،۶۴۴
	هند	۱۱۱	۲۶۴	۳۶۴	۴۳۹	۱،۳۴۶	۱،۶۱۳
جذب سرمایه گذاری خارجی - میلیارد دلار	ایران	۰	۰	-	۰	۴	۲
	ترکیه	-	۰	۱	۱	۹	۱۸
	مالزی	۰	۱	۲	۴	۱۱	۱۱
	هند	-	۰	۰	۴	۲۷	۴۴
صادرات کالا و خدمات - میلیارد دلار	ایران	-	۱۳	۲۰	۳۰	۱۲۱،۶	۹۴
	ترکیه	-	۴	۲۱	۵۰	۱۵۷	۱۹۹
	مالزی	-	۱۴	۳۳	۱۱۲	۲۲۲	۲۱۰
	هند	-	۱۱	۲۳	۶۰	۳۴۸	۴۲۹
صادرات کالاهای پیشرفته - میلیارد دلار	ایران	-	-	-	۰	۰،۶	۰،۸
	ترکیه	-	-	۰	۱	۲	۲
	مالزی	-	-	۶	۴۷	۵۹	۵۷
	هند	-	-	۰	۲	۱۰	۱۴

مأخذ: سری های زمانی بانک جهانی-۲۰۱۷ و بانک مرکزی ج.ا.ایران